

## کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی با محوریت قربانی شدن گاو

زهرا عسگری<sup>۱</sup> سیدعلی قاسم‌زاده<sup>۲\*</sup> سیداسماعیل قافله‌باشی<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳)

### چکیده

در اجرای کهن‌الگوی قربانی، عنصر قربانی با توجه به نوع فرهنگ، آیین، معیشت و... انتخاب می‌شده است و در ایران، گاو به‌منزله اسطوره‌ای کهن که از آغاز داستان آفرینش در اساطیر آیینی حضور دارد، شاخص‌ترین چهره برای عمل قربانی است و در آیین مهرپرستی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین مراسمات اجرا می‌شده است تا با ریخته شدن خون گاو، زمین به حیات دوباره برسد و با خوردن گوشت آن، پیروان این آیین به جاودانگی و نامیرایی رسند. پس از ظهور زرتشت به دلایلی مانند مقابله با نمادهای مهرپرستی، ترویج یگانه‌پرستی، لزوم یکجانشینی و توسعه تمدن، با قربانی کردن گاو به شدت مقابله می‌شود و حراست و حمایت از گاو مورد توجه خاص زرتشت قرار می‌گیرد؛ اما با این همه، حتی در آیین زرتشت نیز روایت‌های از قربانی کردن گاو گزارش شده است که از لزوم اجرای این عمل حکایت دارد و آن همانا کمک به باروری زمین و احیای چرخه حیات است؛ اما با این همه، برخورد زرتشت با قربانی کردن گاو، اسطوره جاودانگی و مسئله حفظ زمین را وارد عرصه‌های تازه‌تری از معنا می‌کند و مضامین اساطیری را با تعقل همراه می‌سازد. این جستار به شیوه توصیفی - تحلیلی و با توجه به نظریه یونگ، کهن‌الگوی قربانی گاو را در دو آیین مهرپرستی و زرتشتی بررسی و واکاوی کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** کهن‌الگو، قربانی، گاو، مهرپرستی، زرتشت.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). (نویسنده مسئول)

\*s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

## ۱. مقدمه

«نظریه کهن‌الگو» به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نظریه‌های یونگ، نقشی بسزا در شناخت و معرفی شاخص‌ترین چهره‌ها و شخصیت‌های اسطوره‌ای، توجیه و تبیین اعمال و آداب و مراسمات آیینی کهن ایفا می‌کند. از میان کهن‌الگوهای فراوانی که در این نظریه مطرح می‌شود و قابل تطبیق و تعمیم بر حیات اسطوره‌ای ملت‌های آغازین است، قربانی‌کردن اهمیت بسیاری دارد؛ کهن‌الگویی که از دیرباز، خدایان، ایزدان، سرکردگان مذهبی و پادشاهان اقوام و آیین‌های مختلف، پیروان خود را به آن سفارش کرده‌اند.

قربانی‌کردن، ادای دینی است برای خدایان، تا شکرانه‌ای باشد به‌سبب آنچه از او دریافت کرده‌اند و گاه نیز برای پوزش و فرونشاندن خشم خدایان به‌سبب گناهی که یک قوم مرتکب شده‌اند تا ریخته‌شدن خون موجودی دیگر، سبب صیانت قربانی‌کنندگان شود و در پایان نیز با خوردن گوشت قربانی، سوری ترتیب دهند به پاس پذیرش قربانی از سوی خدایان و قبول توبه.

عنصر قربانی‌شده بسته به جامعه‌های ابتدایی آن زمان، محدود به موجودات خاص نبود؛ از موجودی مظلوم و بی‌گناه برای برانگیختن حس ترحم خدایان، حیواناتی چون بز و گاو یا موجودی عزیز و ارزشمند از جنس انسان؛ مثل قربانی‌کردن خود پادشاه و یا فرزند ذکور نخستین او، تا قربانی‌کردن خود خدایان (ایزدان فروتر) برای خدایی بزرگ‌تر را شامل می‌شد که از اهمیت و ارزش والای قربانی در نزد اقوام و آیین‌های کهن حکایت دارد.

پس از ظهور ادیان توحیدی، دستور به قربانی‌کردن به‌منزله رسم آیینی به‌شکل وحی و الهام توصیه می‌شود که آن را با قداستی همراه می‌سازد و بیان‌کننده آن است که اصل و اساس این عمل، کاری بیهوده و خرافی نبوده است و اگرچه در انتخاب نوع قربانی، گاه انسان به خطا رفته است؛ اما با این همه، نفس عمل قربانی، مورد تأیید و قبول خدای یگانه نیز است و به همین علت، بزرگ‌ترین پیامبرانش را به آن سفارش کرده است.

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

در این پژوهش، قربانی کردن را در دو آیین کهن ایرانی مهرپرستی و زرتشتی پی خواهیم گرفت و آن را در بستری اسطوره‌ای - آیینی و در قالب یک کهن‌الگو بررسی خواهیم کرد. لذا در این پژوهش، نخست واژه «قربانی» را از منظر ریشه‌شناختی بررسی کرده، در ادامه با توجه به رویکرد پژوهش، به معرفی آن در حوزه علم ادیان خواهیم پرداخت و بحث را با انواع قربانی از نظر نوع عنصر قربانی پی خواهیم گرفت و حوزه اصلی پژوهش را به ارائه جایگاه گاو و قربانی کردن آن در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی موقوف خواهیم کرد و در نهایت به بررسی و چرایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نوع برخورد این دو آیین با کشتن گاو خواهیم پرداخت. مسئله اصلی ما در این پژوهش، پرداختن به این موضوع است که چرا قربانی کردن گاو در آیین مهرپرستی، اهمیت زیادی دارد و به چه دلیل در آیین زرتشت با این کهن‌الگو، برخوردی متفاوت می‌شود و زرتشت پیروان خویش را به حفظ و صیانت گاو از قربانی شدن سفارش می‌کند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

نظریه کهن‌الگوی یونگ، نظریه‌ای است که مصداق‌هایی متعدد از ساحت اسطوره‌ای دارد، کهن‌الگوهایی چون کهن‌الگوی آب، مادر، قهرمان، سایه، پیر، آنیما، آنیموس، تولد دوباره، خویشتن و... که در باب هر یک از این کهن‌الگوها، مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده‌اند؛ اما درباره کهن‌الگوی قربانی، هیچ کتاب یا پایان‌نامه‌ای نگاشته نشده است و تنها در یک مقاله با عنوان «تحلیل داستان کوتاه "لاتاری" با توجه به اسطوره کهن‌الگوی قربانی» از بهناز علی‌پور گسگری (۱۳۹۰)، نامه فرهنگستان، شماره ۲، صص ۵۳-۵۸، نویسنده از کهن‌الگوی قربانی برای تبیین داده‌های خود استفاده کرده؛ اما در باب آیین و اسطوره قربانی، مقالات متعددی تدوین شده است که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است: «قربانی در ادیان» از حسن فراهانی (۱۳۸۰). مجله معرفت، شماره ۵۱، صص ۷۱-۸۹ و مقاله «رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ» از نجمه آزادی‌ده عباسانی (۱۳۹۴)، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۳۸، صص ۱-۳۰.

### ۳. نظریه کهن‌الگوی یونگ

این مقاله از نظر مبانی نظری، مبتنی بر نظریه کهن‌الگوی یونگ است. کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس سوئیسی، ضمیر ناخودآگاه انسان را متشکل از دو بخش می‌دانست: بخش نخست را «ناخودآگاه فردی» و بخش دوم را - که عمیق‌ترین لایه‌های روانی ذهن انسان را تشکیل می‌دهد - «ناخودآگاه جمعی» نامید که به‌منزله «کل میراث روانی تکامل بشر، در ساختار هر فرد، در زمان تولد وجود داشته است» (Carver, 2000: 254)؛ زیرا

مردم سراسر دنیا به افسانه‌ها یا داستان‌هایی خاص به طریق مشابه واکنش نشان می‌دهند، نه بدان سبب که آن داستان خاص را همه می‌دانند؛ بلکه به این دلیل که در اعماق ناخودآگاه جمعی، خاطرات نژادی بشر نهفته است. این خاطرات، به‌صورت انواع کهن‌الگو موجودند (برسler, ۱۳۸۶: ۱۸۰).

علاوه بر تعبیر کهن‌الگوها به‌شکل خاطرات مشترک و پنهانی ضمیر انسان‌ها، یونگ بخش ناخودآگاه را بخشی می‌داند که

محتویات و رفتارهایی را در برمی‌گیرد که کم‌وبیش در همه جا و در بین همه انسان‌ها، مشترک است و بنابراین ساحت روانی مشترکی را می‌سازد که فقط از طریق محتویاتی که قابلیت خودآگاه‌شدن دارد، قابل تشخیص است و فقط تا جایی می‌توانیم از ناخودآگاه صحبت کنیم که بتوانیم محتوایش را مشخص کنیم، محتویاتی از ناخودآگاه جمعی که «کهن‌الگو» نامیده می‌شوند (یونگ، ۱۳۹۶: ۱۰).

محتویاتی که در حالت خودآگاه، صورت‌پذیر می‌شوند و در واقع «تجربه‌های اجدادی موجود در ناهشیار جمعی‌اند که به‌شکل تصاویر ظاهر شده‌اند» (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۱۴) که

از زمان‌های خیلی دور وجود داشته‌اند و دیگر محتویاتی ناخودآگاه نیستند؛ بلکه به اشکال خودآگاهی تبدیل شده‌اند که سنت، عموماً آن‌ها را به‌شکل اسرار به دیگران می‌آموزد؛ بنابراین، اصطلاح «کهن‌الگو» مستقیماً به نمایه‌های جمعی اشاره دارد که هنوز به‌طور آگاهانه تفسیر نشده‌اند و داده‌های بی‌واسطه حاصل از تجربه‌های روانی هستند (یونگ، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲).

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

در این میان، کهن‌الگوی مشترک قربانی به‌منزلهٔ ایماژی جهانی، در ناخودآگاه جمعی همهٔ انسان‌ها وجود داشته است و گویی از ذات پرستشگر او سرچشمه گرفته است تا به‌دلیل ترس از قدرتی بزرگ‌تر و تلاش در جلب خشنودی او، همواره خود را ملزم به پیشکش هدیه و فدیهای بدانند برای آن نیروهای قدرتمند و مرموز که در نهایت با به‌فعلیت رسیدن این احساس ترس و نیاز به کرنش و کسب آرامش، عمل قربانی با انتخاب نوع و عنصر قربانی و تعریف و تبیین هدف از اجرای آن، به‌شکلی خودآگاه درآمده است.

#### ۴. بحث اصلی

##### ۴-۱. بحث پیرامون واژه «قربانی»

معادل انگلیسی «قربانی»، (Sacrifice) است که از *sacrificium* گرفته شده است و آن ترکیبی است از دو کلمهٔ «sacer» به‌معنای تقدس و کلمهٔ «facere» به‌معنای ساختن.<sup>۲</sup> نظایر این واژه در سایر زبان‌های اروپایی که تقریباً معادل «قربانی» است، می‌رساند که «شیء قربانی‌شده برای خدایان، به‌وسیلهٔ قربانی‌شدن، جنبهٔ تقدس و خدایی به خود گرفته است» (فراهانی، ۱۳۸۰: ۷۶).

«لفظ قربانی که در عربی از «قرب» به‌معنای «نزدیکی» گرفته شده است، بدین‌معناست که در همهٔ قربانی‌ها، نزدیکی جستن به خدا یا خدایان و یا قوای فوق‌طبیعی در نظر بوده است» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۲۵۳۳). بر این اساس، لفظ قربانی - که در ترکیب «کهن‌الگوی قربانی» در این پژوهش مطرح نظر ماست - واژه‌ای عربی است و معادل‌های فارسی آن، چون «پیشکش» و ... در تمامی موارد، قادر به ادای تمامی مفاهیم این واژه نیست.

عمل قربانی به‌منزلهٔ «یکی از عناصر بنیادین در نظام اساطیری، در عین حال یکی از شعائر دینی نیز است» (حسن‌آبادی و ادیبان، ۱۳۹۵: ۲۸). لذا پرداختن به معنای آن در علم ادیان نیز ضروری است. قربانی در علم ادیان یعنی «گرفتن زندگانی موجود زنده‌ای اعم از انسان، حیوان و نبات از راه کشتن، سوزاندن، دفن کردن و یا خوردن، به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان» (مصاحب، ۱۳۸۰: ۲۵۳۳).

دائرة المعارف دین نیز، اصطلاح قربانی را «عملی مذهبی می‌داند که در آن، چیزهایی از مایملک شخص خارج شده و به خدا یا یک نیروی فوق طبیعی اختصاص داده و تقدیم می‌شود».<sup>۳</sup>

#### ۴-۲. انواع قربانی برحسب نوع قربانی در آیین‌های کهن و اساطیری

«در ادیان ابتدایی، «قربانی برحسب موضوع، به خونی، غیرخونی و الوهی تقسیم می‌شود. اساس قربانی خونی، تصدیق خون به منزله نیروی مقدس زندگی در انسان و حیوان است. با قربانی، حیات مقدس در قربانی به خدا برمی‌گردد و در نتیجه، خدا، انسان و طبیعت زندگی می‌کنند».<sup>۴</sup>

قربانی غیرخونی در ادیان ابتدایی شامل خوراکی‌ها (میوه‌ها، سبزی‌ها و دانه‌های گیاهی)، مایعات به‌ویژه آب، شراب و اشیا بود. فروید معتقد است که «قربانی نباتی که از اهدای میوه‌های نوبر سرچشمه گرفته است، درحقیقت مظهر مالیاتی داشته که به صاحب خاک و سرزمین پرداخت می‌شده است» (فروید، ۱۳۲۶: ۲۲۰).

در دوره‌هایی از قربانی شدن خدایان نیز گزارش‌هایی وجود دارد؛ یعنی «خود خدایان، موضوع قربانی بوده‌اند. عمده این گزارش‌ها از هند است» (آقایی میبدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). الیاده در دانشنامه دین در مدخل نیت قربانی، چهار نیت را از قول متخصصان علم الهیات مطرح می‌کند که شامل «ستایشی، شکرگزاری، توسلی و کفاره‌ای است».<sup>۵</sup> «نوع قربانی شکرگزاری، رایج‌ترین نوع قربانی است و در فرهنگ‌های گوناگون دیده می‌شود. قربانی توسلی برای تقاضا و خواسته‌ای انجام می‌گرفت. قربانی کفاره‌ای برای برطرف کردن خطایی بود که ممکن بود خشم و غضب خدایان را موجب شود» (دریاکناری و حسینی، ۱۳۹۶: ۳۱۱).

#### ۴-۳. قربانی کردن گاو در آیین مهرپرستی

داستان خدای مهر یا همان میترا از آغاز، با قربانی کردن گاو پیوند خورده است که با قربانی شدن گاو نخستین، حیات آغاز می‌گردد. حوادثی که به مهر نسبت داده شده است، عبارت است از:

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

تولد او از سنگ و تیراندازی او به تخته‌سنگی برای بیرون‌آوردن آب و تعقیب گاو نر و کشتن او از روی اکراه و اتحاد او با خداوندگار خورشید که در منابع دینی ایرانی، مرگ گاو موجب زایش موجودات زنده است و بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نر، آفریننده موجودات زنده محسوب می‌شود (ورمازرن، ۱۳۹۳: ۷-۸).

در بیان ارتباط گاو و مهر (میترا) شاهد آن هستیم که گاو در کنار میترا در نقش یک خالق ظاهر می‌شود و عنصر اساسی آفرینش حیات و موجودات زنده است.

برای قربانی کردن گاو در اسطوره‌های آیینی قدیم از جمله مهرپرستی، مراسمی ویژه وجود داشت که با توجه به رویکرد آیینی و مذهبی آن، تمامی باورها و مضامینش را از ساحت اسطوره‌ها می‌گرفت. گاو اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در اسطوره‌های کهن ایرانی دارد که دلایل انتساب این جایگاه را می‌توان در بحث تقدم آفرینش، ایفای نقش ویژه در جامعه دام‌داری آریایی، اهمیت عنصر آب در سرزمین کم‌آب ایران و ارتباط گاو با صورت فلکی ثور و موسم بارش باران و ... بررسی کرد.

خدایان و شاهان اساطیری دوره مهرپرستی، گاو اوژن‌اند. به این طریق که با کشتن گاو و خوراندن گوشت آن به مؤمنین خویش به همراه نوشابه بی‌مرگی، اکسیر جاودانگی را در اختیار آنان قرار می‌دهند. در مورد جمشید و مهر، گواه بسیاری بر گاو‌اوژنی ایشان وجود دارد (خسروی، ۱۳۸۳: ۸۵).

پس همان‌طور که می‌بینیم اسطوره قربانی در آیین مهرپرستی در خدمت اسطوره دیگری به نام جاودانگی است؛ زیرا در آیین مهر با «کشته‌شدن گاو ازلی و نخستین، حیات جدید آغاز می‌شود» (رضی، ۱۳۸۱: ۵۴۴). از این رو، در مراسم جشن و سور پس از قربانی کردن گاو، از نوشابه بی‌مرگی «هوم» استفاده می‌کردند و «هوم گیاهی است که هر که از آن بخورد، بی‌مرگ شود» (هینلز، ۱۳۸۵: ۵۰).

علاوه بر خوردن گوشت گاو به همراه هوم، خون گاو نیز نوشیده می‌شد چون «مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو، موجب حیاتی نوین می‌شود. درست به همین سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد، میترا گاو را قربانی می‌کند تا رهروانش بتوانند گوشتش را بخورند و خونس را بنوشند» (ورمازرن، ۱۳۹۳: ۱۰۷). خدای مهر برای حمایت و بقای پیروان خویش، شخصاً از جایگاهش فرومی‌آید «تا در زمین با کشتن گاو، نعمت و نجات را به مردم ببخشد» (بهار، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

در آیین مهرپرستی، این مراسم توسط خدای این آیین اجرا می‌شود که از اهمیت و ارزش قربانی‌کردن در مهرپرستی حکایت دارد و

خدای مهر پاهای پسین گاو نر را که در حال چراست، می‌گیرد و او را بر دوش می‌اندازد و کشان‌کشان به طرف غار می‌برد و با دشنه‌ای که بر پهلوی او می‌زند، وی را می‌کشد. از خون این گاو، غلات و درواقع حیات می‌روید (خسروی، ۱۳۸۳: ۹۴).

پس از خدای مهر که به این طریق، پیروان خویش را عمری دراز می‌بخشد، «جمشید نیز کسی است که گوشت‌خواری را در میان مردمان پدید می‌آورد؛ زیرا مراسم قربانی‌کردن گاو، نقش محوری و اساسی در آیین‌های کیش جمشید داشته است» (همان، ۸۸). دلیل پرداختن به جمشید در قربانی‌کردن گاو در آیین مهرپرستی، بدان سبب است که «بنا بر باور آریاییان، نماینده و خلیفه ایزد مهر بر روی زمین، جمشید بوده است و به‌ناچار خویشکاری مهر را هم بر عهده داشته و به نمایندگی او، این مراسم انوشکی را سرپرستی می‌کرده است» (همان، ۸۹).

در اسطوره سیاوش به‌منزله شاهزاده‌ای که در عصر مهرپرستی زندگی می‌کند نیز، شاهد آن هستیم که پس از قربانی‌شدن سیاوش، از خون او گیاه مقدس سیاوشان بر زمین می‌روید که «خون او چون خون گاو نخستین، زندگی‌بخش زمین است و رویش گیاهان و درختان را تسریع می‌کند» (دوانی، ۱۳۹۴: ۸).

تأثیر حیاتی کشته‌شدن گاو علاوه بر تأثیر در اسطوره‌ها، در معماری‌های مهرپرستی نیز مشهود است و «معابد و غارهای مهری نیز با حاشیه گل و گیاه تزیین می‌شدند که گویای تأثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو بود. وقتی گاو به حال تشنج ناشی از احتضار می‌افتاد، خونی که از او بیرون می‌آمد، گندم‌ها را آبیاری و تغذیه می‌کرد» (ورمازن، ۱۳۹۳: ۸۲).

پس از کشته‌شدن گاو در آیین میترا به دست خود خدای مهر، پادشاهان مهرپرست و... تغییرات بزرگی در زمین ایجاد می‌شود و ریخته شدن خون گاو سبب احیای زمین و خورده شدن گوشت گاو به همراه اکسیری که آن هم منشأ گیاهی دارد، سبب بقای ساکنان آن زمین است و درواقع



بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

پس از قربانی شدن گاو، رستاخیز می‌شود و از خون و گوشت او، سبزی، گیاه و نعمت در زمین رشد و نمو می‌کند. این محصولی که میترا با داس درو کرده و حمل می‌کند، فرآورده‌هایی است که از جریان خون گاو پیدا شده است (رضی، ۱۳۸۱: ۵۹۷).

گفتنی است که همواره کشتن گاو در دوره‌های پیش از ظهور زرتشت به معنای روشن و نیک آن یعنی قربانی کردن نبوده است؛ بلکه زمانی این کشتن معنای نیک و مقدس به خود می‌گرفته است که توسط شخص قربانی‌کننده، وجهه یافته و به نوعی، این خون‌ریزی توجیه می‌شده است؛ حال آنکه اگر این کار توسط پادشاه سبک‌سری چون کاووس صورت پذیرد، دیگر نمی‌توان با قطعیت، مفهوم قربانی و توجیه جاودانگی را برای آن آورد. در زاد/سپهر آمده است که

هرمزد گاوی آفرید که خاصیتی شگفت‌انگیز داشت. بدین معنی که هرگاه اختلافی درباره مرزهای ایران و توران پدید می‌آمد، این گاو با کوفتن پای خود بر آنجا که مرز بود، اختلاف را از میان می‌برد. کاووس بر آن شد که این گاو را بکشد و دلیل او در این کار چنین بود که می‌خواست قسمتی از توران را در قلمرو حکومت خود درآورد و اگر گاو زنده می‌ماند، کاووس نمی‌توانست این تجاوز را انجام دهد. از این روی به پهلوانی به نام «سریت» فرمان داد تا گاو را بکشد (کریستن‌سن، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶).<sup>۶</sup>

توصیه به کشتن گاو در آیین مهرپرستی، به معنای دشمنی با گاو نیست؛ بلکه گاو در آیین مهرپرستی با قداستی که از آن بهره‌مند است، قربانی می‌شود که این خون‌ریزی به معنای نزاع و نابود کردن نیست؛ زیرا با قید قربانی شدن همراه است و از این رو، بیانگر معنایی نیک و مینوی است و از آن جایی که قربانی‌های آیینی برای جلب خشنودی ایزدان بوده است؛ باید چیزی مهم و در خور فدا می‌شد که این موضوع، اهمیت و قداست گاو را می‌رساند؛ اما علاوه بر این، در آیین مهرپرستی خود خدای مهر مستقیماً گاو را قربانی می‌کند که هم می‌توان این‌گونه برداشت کرد که خدایی قدرتمندتر از مهر وجود داشته است که میترا برای او قربانی می‌کرده است و یا اینکه بحث قربانی کردن خود خدایان مطرح بوده است؛<sup>۷</sup> اما آنچه مهم است، این است که انوشکی پیروان مهر، مهم‌ترین هدف قربانی کردن گاو است و به جای آن که هدف نخست از قربانی یعنی

خشنودی خدایان مطرح باشد، تضمین بقای پیروان این خدا اولویت دارد که این موضوع بیانگر توجه و حمایت خاص میترا از پیروان خود است.

#### ۴-۴. حفظ و حراست از گاو در برابر قربانی شدن در آیین زرتشت

برخورد زرتشت و پیروانش با مسئله قربانی کردن گاو به دلیل سیاست‌های خاص زرتشت در قبال خدای مهر و پیروان آن، رویکردی کاملاً متفاوت با آن چیزی است که پیش‌تر اشاره شد. در آثار پس از دوره مزدایی در ایران، حراست از گاو مورد توجه شخص زرتشت قرار می‌گیرد و در یکی از قطعات کهن اوستایی در هات ۲۹، به نام «روان‌گاو یا گوشورون»، این حمایت از گاو به عهد نخستین، قصه آفرینش و پیش از تولد زرتشت می‌رسد که

روان گاو در پیشگاه اهورامزدا، از ستم و افراط مردمانی که به قربانی کردن گاو دست خواهند یازید، می‌نالد و از او می‌خواهد که حامی وی را بر روی زمین بدو بازنماید، هرمز، فروهر زرتشت را بدو نشان می‌دهد و بیان می‌کند که او حامی گاو است و روان گاو را مطمئن می‌کند که زرتشت، نسل او و چارپایان را حفاظت خواهد کرد و بدین‌سان، روان گاو می‌پذیرد که بر زمین فرود آید و در خدمت آدمیان قرار گیرد (دوستخواه، ۱۳۴۳: ۳۵).

همچنین در «گاتاها - یعنی قدیم‌ترین قسمت اوستا - نیز زرتشت این امر را مذموم می‌شمارد و بر کسانی که گاو را با فریاد و شادمانی قربانی می‌کنند، نفرین می‌فرستد» (رضی، ۱۳۷۹: ۱۹).

در مقابل این برخورد با کشتندگان گاو، در هات ۳۳ شاهد آن هستیم که «به کسی که با کوشش، از گاوان پرستاری می‌کند، نوید داده می‌شود که روزی در بوستان «اشا»<sup>۸</sup> به سر خواهد برد» (عقیقی، ۱۳۷۴: ۵۹۹). این مقابله به‌صورتی است که «در روایات شرقی یعنی روایات ایرانی، چندان آگاهی‌های روشنی درباره‌ی نوشابه بی‌مرگی و پیوند آن با میترا به دست نمی‌دهند، چنان‌که حتی گاوکشی معروف و مشهور مهر نیز، نشان و نمودی در اساطیر و روایات دینی موجود ایرانی ندارد و در نتیجه مبارزه زرتشت با آیین مهری و رسم خونین قربانی‌های حیوانی، این شواهد از میان رفته‌اند و از سنت دینی حذف شده‌اند؛ اما اساطیر

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

مهرپرستی غربی، گاو اوژنی میترا را که یقیناً مأخوذ از اساطیر ایرانی غیرمزدایی است، حفظ کرده‌اند» (خسروی، ۱۳۸۳: ۹۳).

گویی دیگر زرتشت که قادر به حذف تمام مظاهر مهرپرستی نبوده، با اقرار به آیین‌های مهرپرستی، آشکارا این مراسم را بزرگ‌نمایی کرده است و به آن اعتراض می‌کند و با حذف مظاهر مینوی مهرپرستی، سایر مراسم‌ها را نیز از نگاه خود روایت می‌کند و از عهد نخست، حمایت خود را از گاو را این‌گونه نشان می‌دهد که بحث تقدم زمانی مهرپرستی برای زرتشت اهمیتی ندارد و این تقدم، صرفاً برای رسیدن به کمال آیینی است.

در آیین مهرپرستی، گاو دارای حرمت و اعتبار بود و به سبب همین جایگاه والا، برای عمل مقدس قربانی انتخاب می‌شد؛ نه چونان گناهکاری که باید کشته شود. این اهمیت و اعتبار در دوره زرتشتی به شکل حفظ و حمایت از گاو در برابر ریختن خون او نمود پیدا می‌کند.

در حالی که، گاو خود یکی از نمادهای مهرپرستی است که طبیعتاً باید در دوره زرتشت، حذف و با آن مقابله می‌شد؛ اما چون در آیین پیشین این موجود، کشته می‌شده است؛ در آیین جدید مورد حمایت قرار می‌گیرد تا جایی که در این آیین نو، آفرینش گاو به اهورامزدا نسبت داده می‌شود.

در آغاز سه هزاره دوم، اورمزد گاو یکتا را در «ایارنویچ» در میان جهان و در کنار رود اساطیری «دائیتی نیک» در ساحل راست آن می‌آفریند و کیومرث را در ساحل چپ آن. گاو پیش‌نمونه گیاهان و چارپایان است که به سبب داشتن طبع گیاهی، از اندام‌های او ۵۵ نوع غله و ۱۲ نوع گیاه شفابخش می‌روید (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۳-۴).

#### ۴-۱. مقابله زرتشت با چهره‌های شاخص مهرپرستی

زرتشت در تخریب چهره‌های شاخص مهرپرستی، به رسم گاوکشی اشاره می‌کند و حتی در برخی مواضع، صریحاً کشندگان گاو را دیوان و اهریمنان معرفی می‌کند. زرتشت در گاهان،

جم را به سبب اینکه خوردن گوشت گاو را به مردمان آموخت، سرزنش کرده است، در حالی که می‌دانیم این امری جاری و سائر در نزد آریاییان بوده است، چرا که پیشه اصلی آنان دام‌داری بوده است و گاو مهم‌ترین دام ایشان را تشکیل می‌داد، بنابراین طبیعتاً از آن ارتزاق می‌کردند ( خسروی، ۱۳۸۳: ۸۸-۸۹).

در اوستا به‌طور صریح، جمشید که از کشندگان گاو و پخش‌کننده آن در میان پیروان خویش است، گناهکار شناخته می‌شود. چنانچه در یسن ۳۲ بند ۸ می‌خوانیم: «در میان این گناهکاران، به‌ویژه یم<sup>۹</sup> پسر ویونگهان در شمار است که از برای خشنود ساختن مردمان ما، بدیشان تکه‌های گوشت گاو را برای خوردن می‌دهد» (دوستخواه، ۱۳۴۳: ۴۹).

در بخش پیشین در باب اهداف قربانی کردن گاو در آیین مهرپرستی به داستان کشتن گاو توسط کاووس شاه اشاره‌ای شد که این نوع نگاه ملامت‌بار به شاهان مهرپرست در منابع پس از دوره مهرپرستی، به روشنی در زاد/سپهرم که کتابی درباره زندگی زرتشت است، دیده می‌شود. چنانچه وقتی پهلوانی از سوی کاووس برای کشتن گاو مأمور می‌شود،

گاو به زبان آدمیان با او سخن گفتن آغاز می‌کند که اگر به این گناه مبادرت کنی، دچار ملامت و سرزنش خواهی شد و زرتشت پیغمبر آینده، نام تو را به بدی یاد خواهد کرد که در نهایت با اصرار کاووس، این گاو کشته می‌شود (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۲۰).

#### ۴-۲. دلایل حمایت زرتشت از کشتن گاو

یکی از دلایل اصلی مخالفت با کشتن گاو در این آیین، تلاش برای از بین بردن مراسمات آیین مهری و ترویج زرتشتی‌گری است.

تعمق در آثار باقی‌مانده از فرهنگ آریایی در عصر پیش از زرتشت، نشان می‌دهد که ایزدانی که در آن دوره مورد پرستش واقع می‌شدند، در دوره زرتشت تبدیل به دیوان می‌شوند و در جامعه گاتی از آنها به‌عنوان دیوان و عوامل مضر در جامعه یاد می‌شود، اینان به نوعی همان دشمنان و کشندگان گاو هستند» (دپاکونوف، ۱۳۷۹: ۴۷۶).

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

از آن جایی که در مراسمات مهرپرستی، خوردن گوشت گاو به همراه هوم، برای رسیدن به جاودانگی بوده است؛ پس می‌توان اقدام زرتشت را در اعلان مخالفت با کشتن گاو، نشان از تلاش وی از بین بردن بقایای عناصر مهرپرستی دانست تا تلویحاً جاودانگی پیروان این آیین - که به گسترش و بقای مهرپرستی می‌انجامد - نیز به چالش کشیده شود.

با منابع و مستندات که پیش‌تر ارائه شد، به روشنی مشخص شد که گاو در آیین زرتشت، مورد حمایت و حفاظت است؛ اما آیا تنها مقابله با مظاهر و مراسم مهرپرستی دلیل مخالفت با قربانی شدن گاو است؟ برای پاسخ به این سؤال، باید تغییرات جامعه ایرانی را پس از پذیرش آیین زرتشت، بررسی کرد.

زرتشت به منزله مصلح اجتماعی، در تلاش است تا چندخدایی در جامعه ایرانی را، به پرستش خدای واحد تبدیل کند که از لحاظ اجتماعی با دو نوع زندگی در آن زمان روبه‌رو بود: «زندگی کشاورزی بسته به کشت زمین و نوعی زندگی قبیله‌ای بدون ثبات که زندگی کشاورزی را در معرض خطر قرار می‌داد و گاو این عنصر ارجمند و مهم اقتصادی را به دام بلا می‌کشاند» (نیولی، ۱۳۸۱: ۲۷۲). ایرانیان پیش از دوره زرتشت، دام‌پرور بودند که به دنبال غذای دام‌های خود پیوسته در سفر بودند؛ حال آنکه زرتشت می‌خواست آن‌ها شکل یکپارچه و واحدی به خود گیرند و کشاورزی و شهرنشینی توسعه پیدا کند. «به این ترتیب، حامیان گاو و طرفداران زندگی کشاورزی و یکجانشینی که می‌توانند به پیشرفت فرهنگ و اقتصاد جامعه یاری رسانند، نمادهای واقعی سپنت‌مینو در جامعه زرتشت هستند که با حامیان جامعه سنتی و کشتندگان گاو در یک تضاد و کشمکش قرار می‌گیرند» (آذرنیوش، ۱۳۹۶: ۱۰۸) تا جایی که در *اوستا*، صریحاً کشتندگان گاو، پیروان دروج نامیده می‌شوند.

دوگانگی اخلاقی که در گات‌ها و *اوستا* به چشم می‌خورد، دوگانگی میان «اشه» و «دروج» یا راستی و ناراستی است. این مقوله را به عنوان یک تفکر و یک موقعیت اجتماعی می‌توان برای زرتشت تلقی کرد<sup>۱</sup>، موقعیتی که یک نظام چوپانی صلح-آمیز و دام‌پرور را مورد تهدید قبایل وحشی قرار می‌دهد و پیروان دروج در گات-ها، در واقع همان پرستندگان سنتی هستند که مراسم عبادی آنها، در برگرفته ذبح گاو و نوشیدن هوم بود (زینر، ۱۳۸۸: ۴۲).

علاوه بر موارد اشاره شده، دلیلی دیگر نیز برای حمایت شخص زرتشت از گاو مطرح است؛ زیرا آنچه از گاهان برمی آید این است که «زرتشت خود از تیره‌ای که جزء پرورش دهندگان گاو بودند، برخاسته است و این تیره که منظور از آن قبیله فریانه است، از لحاظ اجتماعی دارای موقعیت خاصی بودند» (آذرنیوش، ۱۳۹۶: ۱۰۷). پس روشن است که اقدامات زرتشت در حراست از گاو، صرفاً راهکاری برای مقابله با مهرپرستی نبوده و نباید این موضوع را تنها از دید اسطوره‌ای بررسی کرد؛ بلکه زرتشت برای حفظ جامعه ایرانی از زوال و با هدف توسعه شهری و ترویج تمدن، به پاس داشت مقام گاو تا این حد تأکید می‌کند.

#### ۴-۳. کشتن گاو در آیین زرتشت

با این همه تأکید بر حفظ و حراست از گاو در آیین زرتشت، باز شاهد آن هستیم که در منابعی به کشته شدن گاو توسط اهورامزدا، سوشیانت و... اشاره شده است که به دلیل نیاز طبیعی آدمی به گوشت‌خواری، تنها از افراط در قربانی کردن گاو در آیین زرتشت، انتقاد شده است. چنانکه پیش‌تر هم اشاره شد، روان گاو پیش از آفرینش از افراط در قربانی به اهورامزدا شکایت می‌کند و پس از تعهد هرمزد، می‌پذیرد که خونس برای حیات زمین ریخته شود، به شرط آنکه افراط نشود و هرمزد هم به دنبال اعتراض گاو، تنها همین جلوگیری از افراط را تعهد می‌کند و به دنبال جایگزین کردن موجود دیگری به جای گاو نیست که همین مسئله، اهمیت و ضرورت قربانی کردن گاو را حتی در آیین زرتشت می‌رساند.

«بر اساس عقاید زرتشتیان، بعد از سه قربانی یعنی فشردن و له کردن هومه گیاه نخستین، ذبح گاو نر نخستین و کشتن نخستین انسان که هر کدام آفریده‌ای بی‌همتا بودند، چرخه هستی به حرکت درآمد» (هنوی، ۱۳۷۴: ۲۶۷). با آن‌که کشته شدن گاو نخستین توسط خدای مهر معروف است؛ اما با این‌همه، در بندهش که تفسیری از اوستا است، آمده است که

عمل کشتن گاو مقدس را اهورامزدا انجام می‌دهد، پیکار با گاو نخستین یا نخست آفریده - گاوی که در آغاز توسط اورمزد آفریده شد، پیش از آنکه خلقت آدمی

بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

حادث شده باشد - که از کالبد او که در حالت احتضار است، گیاهان سودمندی می‌روید که بسیط زمین را می‌پوشاند، از نخاع آن گندم و از خون وی درخت انگور می‌روید تا نوشابه مقدس را پدید آورد (رضی، ۱۳۸۱: ۳۰۶، ۵۹۷).

حتی موعود زرتشت، «سوشیانت» نیز به کشتن گاو مبادرت می‌ورزد و «در آثار زرتشتی، سخن از گاوی است به نام «هدیوش» که توسط سوشیانت کشته خواهد شد» (خسروانی شریعتی، ۱۳۷۰: ۶۴). این امر حتی در بین مردمانی که برای گاو، ارزش و اهمیت زیادی قائل بودند نیز به چشم می‌خورد.

مردم مالابار همانند هندی‌ها برای گاو حرمت قائل‌اند. آن‌ها خوردن و کشتن گاو را مانند قتل عمد می‌دانستند؛ با این وجود، برهمنان گناهان مردم را به یک یا چند گاو انتقال می‌دادند و سپس گاوها در محلی که برهمن تعیین می‌کرد، از بین می‌رفتند (فریزر، ۱۳۹۵: ۶۱۳).

بنا بر نظریه توتمی نیز، «برخی قبایل اصل و اساس خود را از یک حیوان خاص می‌پنداشتند و برای آن حیوان، تقدس و احترام خاصی قائل بودند» (آرون، ۱۳۸۲: ۳۷۵). «نزد آنان شکار و خوردن حیوان توتمی حرام بود؛ اما همین حیوان، سالی یک بار طی مراسمی خاص، در حضور همه قربانی و تقسیم می‌شد. آن‌ها ضمن پرستش توتم، با خوردن گوشت قربانی، قدرت و حیات الهی دریافت می‌کردند» (پالس، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

در آیین زرتشت، تقابل و نزاع اهورا و اهریمن و اقداماتی که این دو در مقابله با یکدیگر انجام می‌دهند، یکی از مضامین اصلی در شکل‌گیری حوادث و ماجراهایی است که بیکره اصلی داستان‌ها و اسطوره‌های زرتشتی را تشکیل می‌دهد. از این رو، علاوه بر طرح موضوع قربانی شدن گاو در باب اهورامزدا و اقدامات زرتشت، به سبب اهمیت این تقابل در آیین زرتشتی، به طور اختصار به برخورد اهریمن در مسئله کشتن گاو نیز اشاره‌ای خواهیم کرد.

در مواردی، کشتن گاو به اهریمن و دیوان نیز نسبت داده شده است و به موجب بندهش نیز «هنگامی که گاو «اوگدات»، یا نخست آفریده در اثر تهاجم اهریمن و عمله وی می‌میرد، از اعضا و اندام‌های وی، گیاه، درخت، آب، کوه‌ها و رودها و ... به وجود می‌آید» (رضی، ۱۳۸۱: ۵۹۷). پس از کشته شدن گاو،

اهریمن، کارگزاران خود را فرمان می‌دهد تا به لاشهٔ گاو هجوم برده و این سرچشمهٔ زایندهٔ زندگی را تباه سازند و به سم آلوده کنند. کژدم به بیضهٔ حیوان می‌چسبد و اندام تولید مثل او را به سم آلوده و تباه می‌کند؛ اما اهریمن و عوامل او نمی‌توانند از وقوع معجزهٔ آفرینش اورمزدی جلوگیری کنند. نطفهٔ گاو توسط ماه جمع‌آوری و در آن کرهٔ تطهیر شده و به صورت جانوران سودمند بر بسط زمین گسترده می‌شوند (همان، ۳۰۶).

نطفه‌ای که توسط ماه حفظ می‌شود سبب «به‌وجود آمدن موجودات اهورایی مشی و مشیانه است» (ورمازن، ۱۳۹۳: ۱۰۱). پس به این ترتیب، می‌توان به پیوند معنایی‌ای که بین ماه، زمین و اسطورهٔ گاو برقرار است نیز پی برد که بر همین اساس، هینلز وجود نقش گاو در تخت جمشید را نماد ماه و زمین می‌داند (هینلز، ۱۳۸۵: ۴۵۸). گاوی که با کشته‌شدنش در اسطوره‌های ایرانی، سبب شکل‌گیری و حیات زمین می‌شود و نقشی که ماه برای حفظ و حراست از گاو ایفا می‌کند، سبب می‌شود که تصور شود که «گردونهٔ ماه به‌وسیلهٔ گاوی از نور کشیده می‌شود» (سجادی‌راد، ۱۳۹۰: ۳۳).

درنهایت علاوه بر خونی که پس از کشته‌شدن گاو، سبب زایایی زمین است؛ حتی نطفه‌ای که از پیکر بی‌جان گاو نیز بر جای مانده، سبب رویش گیاهان است که گویی گاو در اینجا خویشکاری کیومرث، نخستین انسان را نیز برعهده گرفته است. پس در باب برخورد اهریمن با کشتن گاو، می‌توان او را یکی از کشندگان دانست که چونان کاووس به کشتن گاو مبادرت می‌ورزد و نشان از آن دارد که در ساحت اسطوره‌ها و گزارش‌های آیینی، کشتن گاو همواره با مفهوم والای «قربانی‌کردن» همراه نبوده و این عمل مقدس همیشه توسط خدای نیک و شخص ارزشمندی صورت نگرفته است و در برخی از گزارش‌ها در باب اهریمن نیز، این‌گونه متصور است که تنها اهریمن پس از کشته‌شدن گاو توسط دیگران، بر لاشهٔ گاو می‌تازد و در کشتن اولیهٔ او نقشی ندارد.

#### ۴-۵. هدف از کشتن گاو در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی

نقطهٔ اشتراک قربانی‌شدن گاو در اسطوره‌ها و آیین‌های کهن این است که کشتن گاو چه به دست میترا و جمشید و چه توسط اهورامزدا و سوشیانت و حتی اهریمن و دیوان



بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران

صورت پذیرد، همه درنهایت برای رسیدن به یک هدف مشترک است که آن، باروری زمین و رویش گیاهان است که از اهمیت ریشه‌نباتی در اسطوره‌های ایرانی حکایت می‌کند.

در دوران آمیختگی و تکوین اساطیری و در بحبوحه کشاکش و ستیز میان اهورامزدا در گستره اساطیر مشترک مزدیسنی، زرتشتی، زروانی، میتراپی و مانوی، هنگامی که اهورامزدا، گاو نخستین و انسان نخستین را می‌آفریند، بر اثر بدخواهی و زیانکاری و حمله اهریمن و دیوان، گاو نخستین می‌میرد که از جزء جزء اندام‌ها و وابسته‌های پیکرش، آفرینش اورمزدی شکل می‌یابد و حیات جمادی، جانوری و طبیعی تکوین می‌یابد. آشکار است که قربانی کردن گاو، تکرار نمادینی است برای تذکار آن خاطره و نوعی جادوی تقلیدی برای حاصل‌خیزی و باروری (رضی، ۱۳۸۱: ۳۸).

پس علاوه بر تأثیری که خون گاو در بقای زمین دارد، کشته‌شدن گاو نخستین خود سبب آفرینش زمین بوده است و در دوره‌های بعد، کشتن گاو به طور متناوب، عملی آیینی بوده است برای حیات دوباره زمین و تزریق خون به شریان‌های حیاتی آن. اهورامزدا یا مهر پس از شش روز آفرینش جهان، در روز هفتم به استراحت می‌پردازد. در این زمان آفرینش جهان به برکت خون گاو نخستین به اتمام رسیده است، به همین دلیل روز هفتم پس از یک نبرد سخت، اورمزد و یارانش به استراحت و کامرانی می‌پردازند (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۷).

تکرار قربانی کردن گاو در دوره‌های مختلف توسط پیروان ایزدان اسطوره‌ای، آن را به‌شکل یک آیین در می‌آورد، آیینی که پس از ظهور ادیان توحیدی نیز با همان قوت به حیات خود ادامه می‌دهد و «از دیدگاه اسطوره‌شناسی نیز، اولین قربانی، گاو نخستین است. به دنبال کشته‌شدن گاو نخستین که مقدس شمرده می‌شد، ذبح چهارپایان به‌خصوص قربانی کردن گاو به‌منظور یادآوری آن اتفاق مرسوم شد و به‌شکل یک آیین درآمد» (آزادی‌ده‌عباسانی، ۱۳۹۴: ۵).

علاوه بر تأثیر بسزای نقش گاو در عهد اسطوره‌ای در شکل‌گیری و تکوین جهان - خصوصاً زمین - و قربانی کردن مستمر و مداوم آن در دوره‌های مختلف، گاو از جانورانی است که در اسطوره‌های آخرالزمانی نیز حضور دارد و همان‌طور که در

داستان سوشیانت نیز به آن اشاره شد، در اسطوره‌ها «سخن از گاوی است به نام «شریشوک» یا «هدیوش» که این گاو، آخرین حیوانی است که در بازسازی جهان که همه آدمیان باید جاودانه گردند، قربانی می‌شود» (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۱).

با توجه به هدف غایی قربانی کردن گاو در آیین‌های مهرپرستی و زرتشت که تثبیت زمین برای زیستن در آن است، ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که با ظهور زرتشت و ورود به عرصه تازه‌تری از زندگی، باورهای اسطوره‌ای کهن که اغلب با آیین مهرپرستی در ارتباطند، کم‌رنگ‌تر می‌شوند که نوعی نشانه ورود به عصر اندیشه و تعقل است که بالطبع تنها با کشتن گاو، نمی‌توان به برکت و روزی رسید؛ بلکه با حفظ آن می‌توان به حفظ استحکام جامعه کمک بیشتری کرد که این دیدگاه زرتشت در ارتباط کاملاً مستقیم با ورود به عرصه جدیدی از زندگی ایرانیان است که با مظاهر تعقل و تمدن همراه است.

در زند یسن ۹ در هوم‌یشت در بند ۱ نیز چنین آمده است: «آن‌گاه تن او را به نیکی بی‌مرگ کرده است، نه چون آنان که گوشت جم را خوردند که ایشان به تن بی‌مرگ شدند» (خسروی، ۱۳۸۳: ۸۸) که در اینجا به کنایه، تأثیر این تعقل را در مقابله با مهرپرستان می‌بینیم که برای جاودانه شدن، در تلاش برای بقای جسم خود بودند؛ حال آنکه جاودانگی حقیقی، نیک زیستن است.

این رویکرد و نوع برخورد آیین زرتشت با مسئله قربانی کردن گاو، آغازگر بحثی است در باب ورود انسان به مرحله کمال اندیشه و تغییر مفاهیمی چون بقای زمین و جاودانگی تن که این مفاهیم را وارد حوزه جدیدتری به نام «عرفان» می‌کند که در آن، تأکید اصلی بر گریز از زمین و پرهیز از تن‌پروری است و اصل جاودانگی به‌طور کلی، دچار دگردیسی مفهومی و معنایی می‌شود. پس در واقع، ظهور و اشاعه آیین زرتشت در ایران نخستین گام‌ها را برای این تغییر برمی‌دارد، تغییراتی که در بستر عرفان، به اوج کمال معنایی خود می‌رسند و با آن که وامدار مضامین اسطوره‌ای هستند؛ در تلاش برای قربانی کردن نفس به جای کشتن حیوانات و رسیدن به آسمان‌ها به جای بقای زمین‌اند.

## ۵. نتیجه

کهن‌الگوی قربانی به‌منزلهٔ مراسمی نمادین در نزد اقوام و ملل باستانی و ادیان و آیین‌های کهن، با اهداف اسطوره‌ای پیوند خورده و با قداست همراه بوده و عنصر قربانی در نزد آنان به دلایل مختلف فرهنگی، آیینی و ... از میان سایر عناصر موجود در طبیعت انتخاب می‌شده است. در ایران گاو یکی از مظاهر کهن اسطورهٔ قربانی است که در آیین مهرپرستی به‌منزلهٔ یکی از مراسمات مهم اجرا می‌شد که سبب جاودانگی پیروان آن بود؛ اما با ظهور زرتشت این امر مذموم شمرده می‌شود و زرتشت به دلیل تلاش در از بین بردن مظاهر مهرپرستی و نیز دعوت مردم به یکجانشینی و نقش مهمی که حضور گاو در عصر کشاورزی دارد، به حمایت و حراست از گاو می‌پردازد. با این همه، گزارش‌هایی از قربانی شدن گاو در آیین زرتشتی نیز وجود دارد که لزوم قربانی - کردن گاو را می‌رساند و در اصل نیز برخورد زرتشت و اهورامزدا با این مسئله، به دلیل افراط در این عمل بوده است نه نفس عمل. در هر دو آیین کهن ایرانی، هدف مشترک از کشتن گاو، باروری زمین و تکوین حیات است؛ اما بر طبق آموزه‌های آیین زرتشت در برخورد با مسئلهٔ کشتن پیای گاو برای زنده گردانیدن زمین، مسئلهٔ حمایت از گاو برای حراست و صیانت واقعی از زمین مطرح می‌شود که نشانهٔ ورود به عرصهٔ تعقل و کم‌رنگ شدن باورهایی از ساحت اسطوره است که صرفاً به‌منزلهٔ میراثی آیینی، همواره با تکرار همراه بوده است. در زمان زرتشت، نیاز به بازبینی و اصلاح احساس می‌شود و با اشاعهٔ آیین زرتشت، ایرانیان وارد دورهٔ تازه‌تری از حیات خود می‌گردند و با حفظ اسطوره‌های پیشین، خلق اسطوره‌های تازه و گسترش و توسعهٔ مظاهر تمدن، به دنبال تقویت عنصر تعقل برای کشف روابط پدیده‌ها و توضیح چرایی آن‌ها هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Parody
2. Henninger. Joseph. "Sacrifice": in: The Encyclopedia of religion, 1987: 544.
3. Henninger. Ibd, 554
4. Faherty. Robert L. "saceifice". in: The New Encyclopedia, 7934
5. The Encycyclopedia of Religion, 1987: 11/547
6. برای اصل روایت نک: گزیده‌های زاد/سپهرم، ۱۳۶۶، ۲۰-۱۹.

۷. برای مطالعات بیشتر در این زمینه، مراجعه شود به: کمبل، ۱۳۸۶: ۱۶۷؛ الیاده، ۱۳۸۷: ۳۰۹.  
۸. منظور، بهشت است.  
۹. منظور جم یا همان جمشید است.  
۱۰. اوستا، گات‌ها، هات ۳۰، بند ۴ و ۴.

### منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۲). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی فرهنگی.  
- آزادی‌ده عباسانی، نجمه (۱۳۹۴). «رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۳۸. صص ۱-۳۰.  
- آذرنیوش، زهرا (۱۳۹۶). «دوگانگی اجتماعی فرهنگی در اوستا». *تاریخ روایی*. س ۲. ش ۵. صص ۱۰۲-۱۲۰.  
- آقای‌مبیدی، احمد (۱۳۹۰). «فطری بودن قربانی و راز انحرافات آن در ادیان ابتدایی». *معرفت ادیان*. س ۲. ش ۲. صص ۱۱۷-۱۴۲.  
- بهار، مهرداد (۱۳۹۶). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.  
- برس‌لر، چارلز (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. ترجمه مصطفی عابدینی‌فرد. تهران: نیلوفر.  
- پالس، دانیل (۱۳۸۵). *هفت نظریه در باب دین*. ترجمه و نقد محمدعزیز بختیاری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
- حسن‌آبادی، محمود و فاطمه ادیبان (۱۳۹۵). «توصیف و تحلیل مضمون قربانی در اشعار بیدل». *کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۷. ش ۱. صص ۲۵-۵۰.  
- خسروانی‌شریعتی، سید محمود (۱۳۷۰). «آب حیات در فرهنگ اسلامی». *مشکوه*. ش ۳۰. صص ۶۳-۷۴.  
- خسروی، یداء (۱۳۸۳). «انوشکی در ایران باستان». *کتاب ماه هنر*. ش ۷۶ و ۷۵. صص ۸۴-۹۷.  
- دوانی، فزونه و محمد فشارکی (۱۳۹۴). «بازتاب نمادین قربانی میتراپی، اسطوره کشتن گاو نخستین در هفت‌پیگر نظامی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. ش ۲. صص ۱-۲۰.  
- دوستخواه، جلیل (۱۳۴۳). *اوستا. نامه مینوی آیین زرتشت*. تهران: مروارید.

- بررسی کهن‌الگوی قربانی در آیین‌های مهرپرستی و زرتشتی... \_\_\_\_\_ زهرا عسگری و همکاران
- دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ (۱۳۷۹). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: علمی و فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زاداسپریم*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). *تاریخ رازآمیزی میتراپی در شرق و غرب (پژوهشی در تاریخ آیین میتراپی از آغاز تا عصر حاضر)*. تهران: پایتخت.
- رضی، هاشم (۱۳۷۹). «اساطیر و هنر میتراپی». *کتاب ماه هنر*. ش ۲۶ و ۲۵. صص ۹۰-۹۴.
- زینر، رابرت چارلز (۱۳۸۸). *طلوع و غروب زرتشتی‌گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- سجادی‌راد، سیدکریم (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی اسطوره‌گاو در اساطیر ملل مختلف». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. س ۵. ش ۱۹. صص ۲۹-۴۴.
- شولتز، دوان (۱۳۸۷). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایران*. تهران: توس.
- علی‌پورگسگری، بهناز (۱۳۹۰). «تحلیل داستان کوتاه لاتاری با توجه به اسطوره‌کهن‌الگوی قربانی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲. صص ۵۳-۵۸.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۰). «قربانی در ادیان». *معرفت*. ش ۵۱. صص ۷۱-۸۹.
- فروید، زیگموند (۱۳۲۶). *توتم و تابو*. ترجمه ایرج باقرپور. تهران: آسیا.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۹۵). *شناخته زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۳). *کیانیان*. ترجمه ذبیح‌الله صفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸). *نمونه‌های نخستین انسان و شهریار در تاریخ افسانه‌های ایران*. ترجمه و تحقیق از احمد تفضلی و ژاله آموزگار. ج ۲. تهران: نشر نو.
- مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۸۰). *دائرةالمعارف فارسی*. ج ۲. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- نیولی، گرادو (۱۳۸۱). *زمان و زادگاه زرتشت (پژوهشی درباره‌ی مزدآگری)*. ترجمه سید منصور سیدسجادی. تهران: آگه.
- ورمازرن، مارتین (۱۳۹۳). *آیین میترا*. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: چشمه.
- وهابی دریاکناری، رقیه و مریم حسینی (۱۳۹۶). «اسطوره‌قربانی در آثار بهرام بیضایی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۹. صص ۲۹۹-۳۳۷.

سال ۸، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹. دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

- هنوی، ال دبلیو (۱۳۷۴). «قربانی و جشن در منظومه‌های منوچهری». ترجمه افسانه منفرد. فرهنگ. ش ۱۶. صص ۲۶۳-۲۸۰.
- هینلز، جان (۱۳۸۵). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۶). *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*. ترجمه فرناز گنجی و محمدباقر اسمعیل‌پور. تهران: جامی.
- Faherty, R. L. (1974). "saceifice". in: *The New Encyclopedia Biritanica*. 15<sup>th</sup> Ed. Chicago. Encyclopedia Biritanica.
- Eliade, M. (1987). *The Encycyclopedia of Religion*. New York: Macmillan.
- Carver. Ch. & Scheier (2000). *PerspecTive On Personality*. Fiuirth Edition. ALLYN and BACON.



## A Study on the Archetype of sacrifice in the Mithraism and Zoroastrianism Religion: A Focus on Sacrificing Cow

Zahra Asgarieyed Esmail S<sup>2\*</sup> Seyed Ali Ghasemzadeh<sup>1</sup>  
Ghafeleh Bashi<sup>3</sup>

1. Phd Candidate of Persian Language and Literature, International University of Imam Khomeini.
2. Associate Professor of Persian Language and Literature, International University of Imam Khomeini.
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, International University of Imam Khomeini.

Received: 07/11/2019

Accepted: 23/01/2020

### Abstract

In the archetype of sacrifice, the element of sacrifice is chosen according to the type of culture, religion, livelihood, etc. Cow, as an ancient myth in the mythological story of genesis in Iran is a prominent element of sacrifice and this was an important part of the ritual. Through shedding cow's blood, the earth was revived, and through eating his flesh, the followers of the religion could be immortal. However, after Zoroastrianism, several reasons such as opposition to symbols of Mithraism propagating monotheism, and the necessity of settlement and development of civilization, the sacrifice of cow was opposed, and Zoroastrianism respected its life, but there have been reports of sacrificing cows in Zoroastrianism, suggesting the need to carry out this ritual, to help the fertility of the land and reviving the life cycle. Nevertheless, the reaction Zoroastrianism showed to the sacrifice of cow shifted the myth of immortality and protecting earth to a new level, and rationalized the mythological themes. This study, accordingly, analyzes the archetype of sacrificing cow in Mithraism and Zoroastrianism borrowing Jung's theory and a descriptive-analytic research method.

**Keywords:** Archetype; sacrifice; cow; Mithraism; Zoroastrianism.

---

\*Corresponding Author's E-mail: s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

